

نویسنده : کیتی کیلی (Kathy Kelly)

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز « 15-12-2015 »

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

نان شکسته در کابل

Breaking Bread In Kabul

اینجا در کابل با یک دواطلب و رضاکار صلح افغانستان هنگام صرف صبحانه با آسانی باهم به توافق نظر در مورد عنصر کلیدی حل اختلافات و منازعه بوساطت ایلیس بروک (Ellis Brooks) در کارگاه آموزشی - «آموزش مربیان» با صدای خلاق و عاری از تشدد داورسیدیم --- که بریتانیا یک هفته قبل زمینه این تسهیلات را فراهم نموده بود .



واسطه همکار یا میانجیگر کمک کننده قبل از آغاز جلسه چنین وعده سپرد:
* ما بشما قبل از آغاز جلسه چیزی نمیگویم که ما چه کاری را انجام میدهیم
* ما هرگز نمیخواهیم که طرف و جانب دار قرار گیریم .

* وما به ارتباط این جلسه با هیچکس بیرون از اتاق ما صحبت نمیکنیم . تنها نان توته می‌نمایم و به پیاله های خود چای می‌ریزیم که این در واقعیت امر نوع از اشاره و سگنال توسط دست میباشند که این نوع سگنال ها را برای ما ایلیس (Ellis) آموزش داده است .

اطفال درمرز کوچه های آزاد خود نیز مهارت های آموزش داده شده ای همکار میانجی را در نظر میگیرند ، من حدس میزنم که بچه های کوچه و خیابان یعنی آنهایکه برای امرار معشیت خانواده های خود کار میکنند به راحتی میتوانند مهارت های را به یاد آورند که توسط ایلیس (Ellis) به آنها تدریس شده و یا آموزش داده شده است . آنها بازی های مهم و درخور توجه را که شنیده و خوانده و فراگرفته اند بازی مینمایند و زمانی که یک منازعه را میخواهند میانجیگری نمایند تلاش بخرچ میدهند که از سرزنش و اغراق و «ذهن خوانی» یا ذهنگرایی اجتناب نمایند .

من کار کودکان را که درگروپ های کوچک از جمع آوری تصاویر کارتونی دوالاغ باهم چسپیده و گیره خورده ایکه آنها رودررو آنها در جهت مخالف همدیگر بطرف خود کش مینمودند تماشا میکردم و درعین وخت میدیدم که هر یک از آنها در تلاش آن بودند تا به دو انبار (انبوه) از مواد غذایی واقع در آن محل که در مقابل آنها قرار داشت به آن دسترسی حاصل نمایند ، گروپی که باهم در همکاری نزدیک قرار داشتند و باهم کار مشترک مینمودند و تصاویر را بهتر تنظیم مینمودند موفق و کامگار بودند، لذا این داستان کلاسیک و تا هنوز بموقع از دوالاغ به پایان میرسد و از آن چنین تصور میشود که هر دوی از آنها در قدم نخست خود را از آن مواد غذایی جمع و ذخیره شدهء محل تغذی مینمایند یعنی نخست یک انبار از مواد غذایی را صرف نموده و بعدا به صرف انبار دوم مواد غذای می‌پردازند لذا با در نظر داشت این داستان و یا بخاطر تقویت این داستان کلاسیک - ایلیس (Ellis) علی و عبدالحی یعنی دو معلم رضا کار صلح افغانستان را فرامیخواند که نقش آن دوالاغ را که در داستان فوق از آن یاد نمودیم با استفاده از دستمال گردن ایلیس (Ellis) بصفت یک نکته‌ی که بتواند آنها را باهم وصل نماید بازی نمایند . اتاق پر از اطفال باشوق و ذوق این داستان دوست داشتنی از دوالاغ را دقیقاً مینگردند و از آن می‌آموزند و یا به آنها این داستان توصیه مینماید که رسیدن به یک راه حل از منازعه و بُرد درچه است و چه باید کرد که از معضله بدرشد .

ما امروز صبح هنگامیکه صحنه های از داستان فوق را بخاطر می‌آرودیم باهم میخندیدیم - ولی من به تنهایی نمیتوانستم کمک نمایم ولی در عین زمان نگران نیز بودم که چرا اکثر رفقایم در کار و رکشاپ سهم فعال نمیگردند اما با صرف خوردن نان گرم و چای تازه دم لذت میبرند و بار بار در حال نشسته و آرام چای دلخواه خود را می‌نوشیدند - گرچه اکثر آنها در کمپ های مهاجرین با فامیل های

خود حیات بسر میبرند فامیل های شان پول ندارند تا برای خود و اعضای فامیل چوب و هیزم زمستانی بخرند و خود را از سردی هوا نجات دهند و آنها اکثراً باهم یکجا به صرف نان قاق و دیرمانده چند روزه و چای بیدون بوره و قند روز گذرانی مینمایند با دیدن این تکالیف و مشکلات میتوان گفت که رضاکاران صلح افغانستان به چه سان صحنه های از داستان الیس را به خور و شناخت اطفال میدهند و راه بیرون رفت از منازعات و معضلات را به آنها نشان میدهند و به قوت تاثیر داستان دوالاغ و توصیه های ایلیس میپردازند و به آنها می آموزند که یک میانجیگر باید چه نوع فعالیت ها را بخاطر حل منازعات بکار اندازد - این داستان به شکل یک منازعه توسط یک طفل که نقش یک آدم شاکلی و یا شکایت کننده را بازی میکرد پیشکش و یا تقدیم میشد . نرگس دختر کوچک هر صبح با داشتن یک خریطه برای گذاشتن تکه پارچه های نان خشک که از خانه های مردم بدست می آورد از فعالیت های روزمره اش شمرده میشد او هنگامیکه تقریباً ده توته نان بدست می آورد - عبد الله را متهم میساخت که او یعنی عبد الله قبل از من خانه ها را که من هر وقت دق الباب مینمایم و نان بدست می آورم عبد الله آن دروازه ها را دق الباب نموده و پارچه های نان را جمع اوری نموده که به این دلیل او یعنی عبد الله دزد و سارق و غیر اعتماد است - عبد الله که از این اتهام بسیار متاثر میشد میگفت: من هرگز آن خانه های را که نرگس دق الباب مینمود - دق الباب نه نموده ام و یک پارچه نان خشک هم برای فامیل خود از آن خانه ها بدست نیاورده ام این نرگس حریص و خودخواه است که بمن همچو اتهام می بندد من حاضریم که هر مقدار نانی که اگر بدست آورم با نرگس میخوام تقسیم نمایم در صورتیکه نرگس من را در انظار دیگران شرمنده نسازد و بمن اتهام نه نماید که من سارق نان هستم .

ایلیس (Ellis) با تلاشهای همه جانبه خواست تا داستان را به اطفال بیدون غلو ، سرزنش و ذهنیگری که از اوصاف یک میانجی ماهر میباشد قصه نماید و یا آنها را را هنمای نمود او هویت هر یک را با آوردن مثال برهنه ساختن همچو لایه های پیاز که چه واقع شده - چرا منازعه؟ و احساس آنها در مورد چه است؟ یکی بعد از دیگری توضیح داد و در ضمن خاطر نشان ساخت که ضرورت مبرم آنها چه است؟ و اقیعت تلخ وانکارنا پذیر در داستان و در نقشهای ایکه هر دو یعنی نرگس و عبد الله بازی نمودند ترس از گرسنگی و نیاز به نان بود.

آنها یعنی نرگس و عبد الله میخواستند که با جمع اوری پارچه های شکسته ای نان بشکل از اشکال برای خانواده های خویش امنیت و مصونیت را برگردانند و آنها هرگز نمیخواستند که بخانه های خویش با دست خالی برگردند و زمینه ای خشم و اضطراب و حتی وحشت و ترس را برای خود مساعد سازند.

من با درک از موضوع مبنی بر اینکه بیش از صد طفل و کودک کارگر از مکتب سرحد آزاد و مجانی خیابانی در اینجا سهم گرفته اند کمی احساس تسکین مینمایم

وبویژه که به هریک از آنها لوبیا - آرد - روغن و برنج ماه یکبار کمک صورت میگیرد تا باعث جبران آن شود که آنها با کار خویش درکوچه های کابل چیزی را بدست می آوردند و به مکتب نمیرفتند همچنان برای من جای خوشی است که برای هریک از اطفال لباس گرم زمستانی داده میشود تا آنها را از گزند زمستان سرد که در پیشرو است مصون نگه دارد .

قرار احصایه های در دست داشته چنین تخمین میگردد که همین اکنون تنها در شهر کابل بیش از (60000) اطفال کارگر مصروف شغل وکسب وکار اند برای آنکه اگر بتوانند برای خانواده های خود لقمه ای نان فراهم سازند - لذا ما در اینجا با در نظر داشت وضعیت ملال انگیز اطفال کارگر و اطفال کارگر در سراسر کشور چه نتیجه ای بدست می آوریم؟ و ما از مبتلا بودن آنها به گرسنگی و سرما و نا امنی چه باید بیاموزیم؟ رویهمرفته که آقای ایلیس (Ellis) در کابل بود هنگامیکه سفارت ایالات متحده امریکا با پیشبینی قریب الوقوع خود همه باشندگان غربی را در کابل هشدار داد که در سطح بالای احتیاط و توجه قرار گرفته و در خانه های خود بمانند و از گشت و گذر بیشتر بپرهیزند- ایلیس (Ellis) قد بلند و با انصاف براحتی و بعنوان یک تبعه غربی این مطلب را فهمیده است و به همین دلیل گاه گاهی در فاصله های کوتاه بین مرکز و دفتر دواطلبان صلح افغانستان در رفت و آمد میباشد و در همان نزدیکی ها زندگی میکند او کاملاً درک نموده است که بعضی از فامیل ها و دوستان افغانی او در خوف و رعب اند از اینکه آقای ایلیس در همین وضع نارام در کابل زندگی میکند و حتی بعضی از دوستان او از او میپرسند که شما آقای ایلیس دیوانه نیستید که تا هنوز اینجا در کابل زندگی مینمایید؟

خوشبختانه که در طول جریان کارگاه (ورکشاپ) آموزشی و فعالیتهای جذاب پر جنب و جوش وضع امنیتی بسرعت بهتر شد و نگرانی از احتمال حملات پیشبینی شده که توسط سفارت ایالات متحده امریکا در کابل صورت گرفته بود برطرف گردید . ایلیس و داکتر حکیم کسیکه طورشایان صحبت های آقای ایلیس را ترجمه و تفسیر می کند هر دوی آنها بواسطه همکاران خود مورد احترام کامل قرار گرفتند که این خود خوشی آن هر دو را فراهم نمود .

در روزهای اخیر این هفته خواستم که به ارتباط نا امنی ها و عدم مصونیت و ترس از عواقب ناگوار که در حال شکل گیری خود میباشد به معلومات خود کمی بیافزایم و بویژه راجع به تهاجم تفنگداران که در سن برناردینوی کلیفورنیا (sun Bernardino) باعث کشتار (14) نفر بیگناه گردیدند .

مطلب قابل یاد آوری اینکه تمام رسانه ها - مربیان باورمند و با ایمان و رهبران جامعه مدنی و آموزگاران و اکثر همکاران آنها با زبان کشاده و لجام گسیخته مردم امریکا را

از تهدید توسط قاطبه مردم مسلمان در مخاطره میگذارند بشکل اغراق آمیز مسلمانان را مظنون دانسته بر آنها چسب میزنند که این مسلمانان اند که زندگی روزمره مردم ایالات متحده امریکا رابه مخاطره میگذارند وبشکل ذهنیگری همه مسلمانان را چنین توجیه میکنند که آنها ضد مردم ایالات متحده امریکا میباشند. اما من فکر میکنم که همچو چسب زدنها وتبلیغات میان تهی برای مردم امریکا یک امرعادی وپیش پاافتاده باشد وبپرسند که چه ترس ویا ازکجا الهام گیرند که علیه کشورشان این مسلمانان در ضد ومخاصمت قرار دارند .

یا چنین پنداشت ویا که از نظرناپید دورداشت وآن ایکه همین رسانه ها در روند فعالیت های روتین روزانه خود بسا مسایل را تا حدی در تحت پوشش خود قرار میدهند و از نقاط مختلف جهان گذارشاتی بدست می آورند که ایالات متحده امریکا بالای غیر نظامیان در اکثرکشورها تهاجم مینماید بویژه در محلات ونقاط جنگی که در آن جاها بشکل روتین و روزمره تحت بمبارد مان قرار میگیرند ، معیوب میشوند ، از شهر وکشور خود به میلیونها انسان آواره ومهاجر میشوند وسرانجام جوامع بشری بخاک یکسان میشود که از دید هیچ شخص روشن ضمیر پنهان نیست . که کی باید مسولیت این همه فجایع را بدوش کشد ؟

ایلیس (Ellis) قبل از ترک نمودن کابل از همه رضاکاران صلح افغانستان به نسبت استقبال گرم از او در هنگام خدا حافظی ابراز تشکر نمود وافزود من از شما به این لحاظ بیشتر تشکر مینمایم که کشورم با مداخلات خود افغانستان را کمی غیرمصون ونامن ساخته وسد راه آزادی های مردم این سرزمین شده - آنچه که من در اینجا آموختم اینست که در اینجا از ظرفیت ها قوی ونیرومند بدرستی کار گرفته نمیشود بویژه نباید کسی حق کشتن دیگران را داشته باشد ، ویا اینکه در اینجا به کسی حق داده نمیشود که به ارتباط سیاره وسرزمین خود بیاندیشد ویا در مواظبت از سیاره وسرزمین خود سهم فعال گیرد ویا برای کسی حق داده شود که برای تامین برابری بین مردم تلاش بخرچ دهد - « تشکر از شما »- ویکبار دیگر تشکر از همه دانش آموزان ازاینکه من معلم شما بودم .

----- با تقدیم سلامها